

بررسی جامع پرونده‌ی انتخابات ۸۸ یک بار برای همیشه

متن کامل سخنرانی حقیر (احمد قدیری) در دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۷ دی ۹۵

با تشکر از پایگاه صهیون پژوهی تیه - ویرایش نهایی

بسم الله الرحمن الرحيم، بعد از عرض سلام خدمت شما بزرگواران

اقتضای دانشکده فنی این است که ما بر خلاف بعضی از دوستانمان و برخی افرادی که مسائلی را تبیین می‌کنند، نه با زبان سیاست بلکه با منطق ریاضی مسائل را تبیین کنیم، لذا احتمالا برخی از موارد برای شما جدید است.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند ابتدا قیام کنید و بعد فکر کنید؛ یعنی چه؟ یعنی اول انقلاب کنیم و بعد بگویم که چرا انقلاب کردیم؟ نه! این طور نیست، اینجا قیام درونی منظور است. این همان حرف مرحوم دکتر علی شریعتی است که گفت خدایا عقاید ما را عقده‌های ما را بدار.

در تاریخ انبیاء، نکته‌ای ذکر شده و آن اینکه هر جایی که موسی (ع) فرعون را با منطق استدلال، برهان و یا منطق اعجاز مغلوب می‌کرد، فوری کاری که فرعون می‌کرد، بحث را به سمت تعصبات قومی می‌کشاند و می‌گفت ای مردم مصر! حواستان باشد که موسی می‌خواهد شما را از شهر و دیار خودتان بیرون کند، مردم مصر! موسی می‌خواهد خدایان تان را از شما بگیرد. حواسمان به این تعصبات باشد چراکه می‌بینیم بزرگترین مانع برای پذیرش صحبت، همین تعصبات حزبی و سیاسی است. تا بیاییم در بحث پیش برویم و منطق و دلیل بیاوریم، فوری داد می‌زنند که می‌خواهی بگویی دلواپسان خوب هستند؟ می‌خواهی بگویی اصلاح‌طلب‌ها بد هستند؟ حکومت مال شماست؟ و از این حرف‌ها. این منطق، منطق فرعون است.

اهمیت بررسی و تحلیل انتخابات ۸۸

قبل از اینکه انتخابات سال ۸۸ به وقوع بپیوندد، مقام معظم رهبری فرمودند که جنگ، جنگ احزاب است. معنی آن، نه جنگ حزب‌ها مثل حزب مشارکت یا مجاهدین انقلاب، که جنگ خندق منظور است. جنگی که همه‌ی کفر، با وجود اختلافات داخلی و قبیله‌ای که با هم داشتند، اختلافات را علیه جبهه‌ی حق کنار گذاشتند. شما در انتخابات سال ۸۸ می‌بینید، بهائیت و حجتیه که قبلا پنبه و آتش بودند و اساسا حجتیه

به وجود آمد برای مقابله با بهائیت، اما در انتخابات ۸۸ از فراماسونر، بهائی، حجتیه، سلطنت طلب، کمونیست، دموکرات، کومله، ضدانقلاب داخلی و دیگر فرقه‌ها جمع شدند علیه یک نقطه که اسماً آقای احمدی نژاد بود اما رسماً نظام، انقلاب و اسلام را نشانه گرفته بودند، چیزی که بعداً در شعارشان نیز بیان کردند: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است».

اهمیت انتخابات سال ۸۸ این است که دو حالت بیشتر ندارد؛ یا تقلب شده است یا نه. اگر تقلب شده است، هاشمی، موسوی، خاتمی، کروبی، جنبش سبز و همه‌ی کسانی که با این اوضاع مخالفت کردند، بر حق بودند و نظام و تمام تشکیلات نظام، همه باطل بودند. کسانی که از آن طرف کشته شده‌اند، شهید هستند و کسانی که از این طرف کشته شده‌اند، باطل هستند. اما اگر تقلب نشده، ورق کاملاً بر می‌گردد. اهمیت انتخابات سال ۸۸ از این جهت است که بود و نبود این اتفاق، یک حکم بزرگی نسبت به پرونده‌ی قطور جریان‌های سیاسی در طول انقلاب اسلامی صادر می‌کند.

مهندسی پندار

فرمول براندازی نه در ایران، بلکه به استناد کشور اوکراین ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴، قرقیزستان و جاهای مختلف در شرق اروپا و آسیای میانه، فرمول ثابتی است. و می‌توان در سه عبارت خلاصه کرد «مهندسی پندار، نقطه عطف، مهندسی رفتار». مهندسی پندار، یعنی چگونه رسانه‌ها بعد و خصوصاً قبل از انتخابات، اذهان افراد را به تحلیل و برداشت مدنظر خود سوق می‌دهند. مهندسی پندار یعنی اینکه رسانه‌ها چگونه حتی بدون دروغ به شیوه‌ای اخبار را جلوه می‌دهند که تاثیر مطلوب در ذهن مخاطب گذاشته شود. در این خصوص بنده در کتاب خویش «تکنیک‌های عملیات روانی در حوزه رسانه و خبر» ۸۸ ترفند و تکنیک عملیات روانی که همان فرمول‌های پروپاگاندا است را تئوریزه و احصا و همراه با مستندات ارائه کرده‌ام که می‌توانید مراجعه کنید و الان فرصت توضیحش نیست. مهندسی پندار یعنی «کاشت، داشت و برداشت». ابتدا بذر شبهه را در ذهن ما می‌کارند و پرورش می‌دهند، بعد در نقطه عطف‌هایی که عموماً انتخابات‌ها است آن را درو می‌کنند. مواردی که عموماً می‌دانیم انتخابات است اما دو مثال نقض برای این موارد می‌گوییم که انتخابات نبوده است؛ یک مصداق ۱۸ تیر ۷۸. موضوع چه بود؟ بسته شدن یک روزنامه به نام سلام و مصداق دیگر اوکراین ۲۰۱۴ که موضوع آن اقتصادی بود! رئیس جمهور قانونی و مشروع کشور حق داشت با اتحادیه‌ی اروپا پیمان همکاری امضا نکند یا نکند، گفت نمی‌خواهم امضا کنم، لذا غرب گراها شورش کردند و داستان ادامه دار شد. فرار رئیس جمهور و تجزیه‌ی اوکراین که شبهه جزیره‌ی کریمه رسماً جدا شد و شرق اوکراین هم حالت نیمه خودمختار پیدا کرده و در شرف تجزیه است.



۲۹ آبان ۸۷



۷ اردیبهشت ۸۸



۱۴ اردیبهشت ۸۸



۲۰ اردیبهشت ۸۸



۶ خرداد ۸۸



۹ خرداد ۸۸



۲۱ خرداد ۸۸



۲۴ خرداد ۸۸



۲۸ خرداد ۸۸

مهندسی رفتار

مهندسی رفتار چیست؟ مهندسی رفتار دقیقا همان ۱۹۸ کنش خشونت پرهیز آقای جین شارپ که گفته است مردم به هر دلیلی در خیابان‌ها ریختند، حالا چه کار کنند که جنگ، فرسایشی شود، حکومت را از پا در بیاورند و با کمترین نیرو، توان و هزینه، بیشترین بهره برداری و بازتاب را داشته باشند. بنده تعدادی از این کنش‌های خشونت پرهیز را بیان می‌نمایم، «کنش» یعنی اقدام؛ «خشونت پرهیز» هم به معنای اقداماتی که مسئله را الزاما وارد حوزه خشن و آتش و خون نمی‌کند. نسخه‌ی جین شارپ چنین است: «سخنرانی‌های عمومی، استفاده از شعارها، کاریکاتورها و نمادها، اعطای جایزه‌های غیر واقعی و ظاهری، استفاده از پرچم‌ها و رنگ‌های نمادین، اجرای نماز و دعا، ایجاد صداهای نمادین، تمسخر و اهانت به شخصیت‌ها، تظاهرات و راه پیمایی‌های مذهبی، انجام سوگواری سیاسی، تشیع جنازه‌های غیر واقعی و ظاهری، تلاش برای زندانی شدن» و غیره. در اینجا باید انقدر به تظاهرات‌های غیر قانونی ادامه داد تا

پلیس برخورد کند و خون از دماغ یکی بیاید بعد همان را رسانه ای کنند و مردم را تحریک و نظام را تضعیف کنند و این ماجرا انقدر ادامه یابد تا اوضاع از کنترل حکومت خارج و نهایتاً دولت ساقط شود.

نقطه عطف

رکن مهندسی پندار و مهندسی رفتار را اجمالاً توضیح دادم، و اما نقطه‌ی عطف که عرض کردم عموماً انتخابات‌ها بوده است و خشم و نفرت و هیجانات تجمیع شده به واسطه‌ی آن آزاد می‌شود را اجازه بدهید مرور کنیم.

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی صربستان در ۲۰۰۰، انتخابات پارلمانی گرجستان در ۲۰۰۳، انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در ۲۰۰۴، انتخابات دو مرحله‌ای پارلمان قرقیزستان در ۲۰۰۵، انتخابات ریاست جمهوری بلاروس در ۲۰۰۶، انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۲۰۰۹، همان سال ۸۸، و دو چیز دیگر که اضافه کردم؛ ایران ۱۸ تیر ۷۸ در ماجرای روزنامه‌ی سلام و اوکراین ۲۰۱۴ و بحث همکاری اقتصادی با اتحادیه‌ی اروپا.

حال برای همین نقطه عطفِ انتخابات نیز سازوکار ثابتی وجود دارد. فرد باید از چند ماه قبل با کمک رسانه‌های داخلی و خارجی همسو، شبهه‌ی تقلب در انتخابات را پمپاژ کند؛ همچنانکه تلویزیون BBC فارسی ۶ ماه قبل از انتخابات ۸۸ آغاز به کار کرد. حال اگر مدعی تقلب خودش رأی آورد -مثل ترامپ- که با ژست بزرگوارانه از ادعای خود می‌گذرد اما اگر رأی نیابد می‌گوید من از اول گفته بودم قرار است تقلب شود. مسئله‌ی بعدی هم این است که قبل از اعلام نتایج رسمی باید اعلام پیروزی بکنی تا اولین خبر را به عنوان موثرترین خبر به مخاطبان برسانی و عملاً فرمان حمله و آشوب را صادر نمایی.

پرونده‌های انتخابات

اهمیت انتخابات را عرض کردیم و گفتیم که پرونده‌ی انتخابات ۸۸، یک پرونده چند لایه است. اول آن تعصبات و حب و بغض‌های طرفینی که وجود دارد گره‌گشایی را سخت می‌کند و بعد دیگری که قضیه را سخت می‌کند، همین چند لایه بودن پرونده انتخابات است. شما می‌آیید و قصد دارید که بحث تقلب شدن و نشدن را مطرح کنید -حتماً در بحث‌ها برای تان پیش آمده- که طرف مقابل تان می‌گوید که پس کهریزک چه؟ به او جواب می‌دهیم که قدم به قدم! چند اتفاق بوده، سیر زمانی اش را هم که بخواهیم

در نظر بگیریم، باید پرونده‌ها را، مرحله به مرحله برویم. اول می‌آییم تکلیف تقلب شدن یا نشدن در انتخابات سال ۸۸ را مشخص می‌کنیم. این را که پذیرفتیم، یا رد کردیم، بعد بیاییم بگوییم حالا مثلا کهریزک، چه کسی مقصر بوده یا نبوده که البته وقتی رهبری می‌فرماید «جنایت کهریزک»، حتما جنایت بوده و حتما قابل دفاع هم نیست. رهبری اعلام کردند ما هم اعلام می‌کنیم. دو سه نفر کشته شدند به ضرب و شتم پلیس؛ محکوم به اعدام هم شدند و خود خانواده‌ی قربانیان بزرگواری کردند و از خون فرزندشان گذشتند. این پرونده که معلوم شد و تمام.

ما می‌خواهیم در گام اول پرونده انتخابات سال ۸۸ را با هم بررسی کنیم و می‌خواهیم به شبهات پردازیم، و هم اساسا با همان منطق ریاضی که عرض کردم که بینیم پاسخ این‌ها چیست.

بنده یک لیستی از دلایل را آماده کرده ام در رد ادعای تقلب در انتخابات که اگر ما آن را تبیین کنیم، مثل یک دومینو وقتی اولی را زدید، تا انتها همه‌ی مسائل و جریان‌های سیاسی، شفاف و روشن می‌شود. همه‌ی موضع گیری‌ها، برای افراد مشخص می‌شود و به این علت است که می‌بینید در حال حاضر، بعد از چند سال، هنوز هم روی این موضوع جبهه‌ی مقابل حساسیت دارد و سعی می‌کنند توپ را در زمین نظام بیندازند و الان با فرار به جلو مدام روی مسئله‌ی حصر مانور می‌دهند.

نقض اصل برائت

در تبیین سلامت انتخابات، مسئله‌ی اول اینکه یک منطق عقلی، شرعی و حقوقی پذیرفته شده در همه‌ی نظام‌های حقوقی جهان این است که «البینه علی المدعی»، کسی که ادعایی دارد اوست که باید اثبات کند و این آن روی سکه‌ی اصل برائت است. و الا اینکه هرکس ادعایی بکند، تهمتی بزند، بگوید اگر نیست، تو ثابت کن که نیست، خلاف اصل است. خوب ما نقض این اصل مسلم عقلی را چندجا دیدیم. یک، بحث تقلب که گفتند تقلب شده اگر نشده ثابت کنید! خب این دو فعل تقلب و تخلف، فعل ایجابی است، تو باید بگویی کجا چه اتفاقی افتاده.

به خیال خودت توپ را پرتاپ می‌کنی به زمین حریف، و بعدش می‌گویی تقلب شده، اگر نشده تو ثابت کن، این خلاف مسلم منطق عقلی و حقوقی در همه‌ی نظام‌های حقوقی دنیا است. و اگر این‌ها نباشد اصل برائت منتفی می‌شود. یعنی همه مجرم هستند مگر این که عدم جرمشان ثابت شود!

حالا این نقض اصل چند بار تکرار شد. یک، در بحث تقلب. دو، آن فرد موهوم «ترانه موسوی» که وجود خارجی نداشت. جالب بود که صدا و سیما رفت سراغ سه نفر. گفتند داخل ثبت احوال سه ترانه موسوی

وجود دارد. یکی پیر است، یکی کودک و سومی هم که جوان است خارج از کشور زندگی می‌کرد. با خانواده اش که مصاحبه کردند، سبزه‌ها راه افتادند که دروغه دروغه! این ترانه موسوی آن ترانه موسوی که ما می‌گوییم نیست. اگر راست می‌گویید بروید و آن شخصی که کشته و تجاوز شده را بیاورید! ما باید بگوییم که چه کسی کشته نشده؟! ما باید بگوییم که به چه کسی تجاوز نشده؟! یا شما باید اعلام کنید؟

سه، برویم به قبل تر از آن. اگر دقت کرده باشید در مناظره‌ی احمدی نژاد و موسوی، آقای موسوی می‌گوید آقای احمدی نژاد! با پول بیت المال توی کل کشور بریز و پاش می‌کنید و تبلیغات می‌کنید، اگر این طوری نیست بیایید و ثابت کنید. عین جمله آقای موسوی در مناظرات انتخابات بود. تو رو خدا منطق را نگاه کنید؛ اگر نشده بیا ثابت کن!

تقلب، چالشی دو سویه

نکته‌ی دیگر، اصلاً بر فرض محال که بپذیریم تقلب شده است - آقای موسوی ۳۰ هزار ناظر سر صندوق‌ها داشت و آقای احمدی نژاد ۲۶ هزار - بر فرض که با این وجود بپذیریم؛ اثبات تقلب آیا اثبات می‌کند که به نفع آقای احمدی نژاد تقلب شده؟! بر فرض که اثبات شد تقلب بوده، باید ۱۳ میلیون خودت را هم اثبات کنی! چه کسی گفته شما ۱۳ میلیون رأی داشتی؟ رأی ۲۵ میلیونی، مشابه داشت رأی خاتمی ۲۱ میلیون بود؛ پس ۲۵ میلیون رأی احمدی نژاد بی سابقه نبود. تنها چیزی که بی سابقه بود - اگر بپذیریم که تقلب شده - ۱۳ میلیون نفر دوم در انتخابات بود. سابقه نداشته در انتخابات نفر دوم ۱۳ میلیون رأی بیاورد. چنانکه به جز دور نهم ریاست جمهوری که هاشمی در دور دوم و در رقابت دو نفره با احمدی نژاد ۱۰ میلیون آورد، بیشترین رأی نفر دوم در حالت عادی متعلق به دور هفتم و شخص آقای ناطق نوری بود که ۷ میلیون رأی آورد که نصف موسوی بود. پس اگر اثبات هم شد که تقلب شده است یا ممکن است بشود، ۱۳ میلیون رأی بی سابقه ات را باید اثبات کنی که از کجا آوردی.

نظریه پردازان تقلب

نکته‌ی بعدی، از خنده داری اتهامات ۸۸ این بود که نه در میزان تقلب، و نه در نحوه‌ی تقلب، بین هیچ یک از اپوزوسیون اتفاق وجود نداشت. شما سراغ دارید دو نفری را که در میزان و نحوه‌ی تقلب اتفاق نظر داشته باشند؟ فائزه، مهدی، کروب‌ی، هاشمی، موسوی و خاتمی هر یک چیزی می‌پراندند! هر کس برای خودش نظریه ای می‌داد.

ایران، تهران، شمیران

نکته‌ی بعدی، اینکه دامنه‌ی اعتراضات معطوف به کجا بود؟ تهران. کجای تهران؟ انقلاب به بالا، نیمه‌ی شمالی شهر. طبیعی هم بود بالاخره موسوی در شهر تهران بیشتر رأی داشت و نیمه‌ی شمالی شهر، پیروز قاطع اراء بود.



[میان جمع یک نفر اعتراض می‌کند و می‌گوید همه جا شلوغ بود. قدیری پاسخ می‌دهد همه جا مثل تهران بود؟! دهات ما هم بود! کدخدای ما هم یک بار رفت پشت بام و یک الله اکبر گفت اما از این فراتر نرفت! خنده‌ی حضار]

حالا بعضی‌ها تازه آمدند و صحبت‌های مرا نشنیدند؛ الان دوباره تکرار نمی‌کنم همان‌ها را. اولاً اگر سرپا هستید بفرمایید بنشینید. ما اول صحبت عرض کردیم که نیامدیم این جا جنگ کنیم و یا دعوا راه بیندازیم. گفتیم یک بار، ما بنده‌ی «دلیل» هستیم. می‌خواهیم یک بار برای همیشه ادله‌ی مان را برای شما بیان کنیم. شما بگویید اگر شیوه‌ی استدلال غلط است، اصلاحش کنیم. اما اگر شیوه استدلال غلط نیست، نتیجه را نمی‌توانید نفی کنید. اگر می‌خواهید نفی کنید، خیلی خلاف منطق است که شیوه‌ی استدلال ما را رد نکنید ولی بیایید بگویید که نتیجه اش قبول نیست!

من می‌گویم A مساوی B و B مساوی C است، پس A مساوی C است. یا بگویید A و B برابر نیست، یا بگویید B و C مساوی نیستند. اما اگر این دو را گفتیم و بیان کردیم و ایرادی به این دو گزاره نبود، این دیگر خیلی عجیب است که بیایی و بگویی که خیر، A و C مساوی نیست! اگر اشکالی دارید، دلایل را زیر سوال ببرید.

بنده لیستی از دلایل دارم، داخل این دلیل‌ها ممکن است ۱۹ دلیل را رد کنید فرضاً، و یکی را فقط بپذیرید اما اگر همان یک حجت را هم بپذیرفتید کار تمام است.

عرض کردیم دامنه اعتراضات محدود به تهران، آن هم انقلاب به بالا بود.

افشاگری ای که هیچ‌گاه تکذیب نشد

نکته‌ی بعدی نقل قول آقای دکتر محمد حسن قدیری ایبانه است. اگر بشناسید، ایشان مشاور ارتباطات رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام بودند. در انتخابات خیلی چیزها راجع به آقای هاشمی رفسنجانی و مهدی هاشمی بیان شد که از دم همه را تکذیب کردند. گفتند چنین چیزی نبوده. فائزه هاشمی را در خیابان گرفتند و گفتند چرا اغتشاش میکنی؟ با وجود آنکه فیلم حضور و معرکه گیری اش هم بود گفتند رفته بود ساندویچ بخورد! همه چیز را از دم تکذیب کردند، به جز یک مورد را که هیچ‌گاه تکذیب نشد. تشریف ببرید سایت‌ها مشاهده کنید. ببینید تکذیب شد یا نشد این موضوعی که عرض می‌کنم. این را مشاور ارتباطات رییس مجلس تشخیص مصلحت نظام بیان کرد که: «من وقتی در سال ۸۴ مشاور هاشمی بودم، و در دور اول آقای احمدی نژاد و هاشمی رفتند بالا. من به عنوان مشاور، نظرسنجی ای به دستم رسید که از قضا این نظرسنجی توسط ستاد آقای معین که به هاشمی پیوسته بودند انجام شد. و دست من دادند. رفتم بدهم مهدی هاشمی که به پدرش نشان بدهد. گفتم این را بده به پدرت و بگو طبق این نظرسنجی که تیم معین انجام داده آقای هاشمی ۵ میلیون رأی کمتر از احمدی نژاد در دور

دوم انتخابات خواهد آورد که مهدی گفت من این را قبول ندارم و بابا برنده است». بعد آقای قدیری می‌گوید «وقتی فهمیدم مهدی این نظرسنجی را دست پدرش نمی‌دهد. خودم رفتم پیش آقای هاشمی و نظرسنجی را به ایشان دادم و گفتم شما انتخابات را باختید، سعی کنید با خوبی و خوشی جمعش کنید».



خلاصه آنکه با وجودی که این نظرسنجی را ستاد معین انجام داده بود و آقای هاشمی می‌دانست انتخابات را باخته است، در انتخاباتی که مجری اش آقای خاتمی بود، باز هم آقای هاشمی زیر بار انتخابات نرفت و گفت من به خدا پناه می‌برم از این اتفاقاتی که افتاده، حال چرا ایشان آن موقع فقط به خدا پناه برد؟ چون همانطور که قبلا خدمتتان عرض کردم پروسه‌ی «کاشت داشت برداشت» صورت نگرفته بود. ایشان در نظرسنجی دور اول جلوتر بود و رأی بالاتری نیز آوردند. مجری انتخابات هم آقای خاتمی بود، پس جایی برای تشکیک در سلامت انتخابات نبود. ولی می‌بینیم با این وجود هاشمی نتیجه‌ی دور دوم را نمی‌پذیرد. البته کاری نمی‌توانست بکند چون پروسه‌ی «کاشت، داشت و برداشت» و مهندسی پندار صورت نگرفته بود. صرفا در بیانیه و شکوائیه‌ی مطرح شد و تمام! این شکایت در یک نامه تمام شد و رفت. اما سال ۸۸ همین آقایون زدند زیر میز اما چون «کاشت و داشت» صورت گرفته بود، و «برداشت» ممکن بود، دیدیم چه نتایجی را به بار آورد. هشت ماه مملکت را به شدت درگیر کرد.

اقدامات دولت مردم را فریب داد، نداد!

نکته بعدی که قابل ذکر است، بحث حجم فعالیت‌های عمرانی و مصوبات استانی از یک سو و بحث سفرهای استانی و انبوه جمعیت استقبال کننده از آقای احمدی نژاد از سوی دیگر بود. این مورد هم، یکی از ادله ماست که آقای حداد عادل به آن اشاره کرد. همین که به اثرگذاری این فعالیت‌ها ایراد می‌گرفتید، نشانه دهنده فهم شما از رأی سازی این فعالیت‌ها بود. اینطور نمی‌شود که از این طرف بیایی بگویی که دولت پوپولیست، اقدام پوپولیستی انجام می‌دهد، دارد رأی جذب می‌کند، مصوبات استانی تصویب میکند، همه و همه‌ی این کارها را انجام می‌دهد که رأی بیاورد و بعدش هم از آن طرف می‌گویید رأی نیاورده! بالأخره این سفرهای استانی را مؤثر می‌دانستید یا نه؟! مصوبات را مؤثر می‌دانستید یا نه؟! همان سبب زمینی که مسخره اش کردید یک عمر – و البته آقای روحانی هم به آن مبتلا شد و دیدیم که محصولات کشاورزی مازاد را سال‌های قبل دفن کرد اما اکنون هم سبب زمینی و پیاز و هم حقوق شهروندی توزیع می‌کند ایشان در این یک سال باقی مانده تا انتخابات – [خنده‌ی حضار] همان سبب زمینی مگر به آن استناد نمی‌کردید که احمدی نژاد دارد با آن رأی جمع می‌کند؟! خوب توزیع شد یا نشد؟ – با منطق شما میخواهم پاسخ دهم – این‌ها اثر داشت یا نه؟ مصوبات استانی اثر داشت یا نداشت؟ از طرفی می‌گویید اثر داشت و از آن طرف می‌گویید رأی نیاورد! پس این همه داد و بی داد شما برای چه بود؟ برای اقدامات بی اثر؟!





FARS

Photo : Hassan Ghaedi

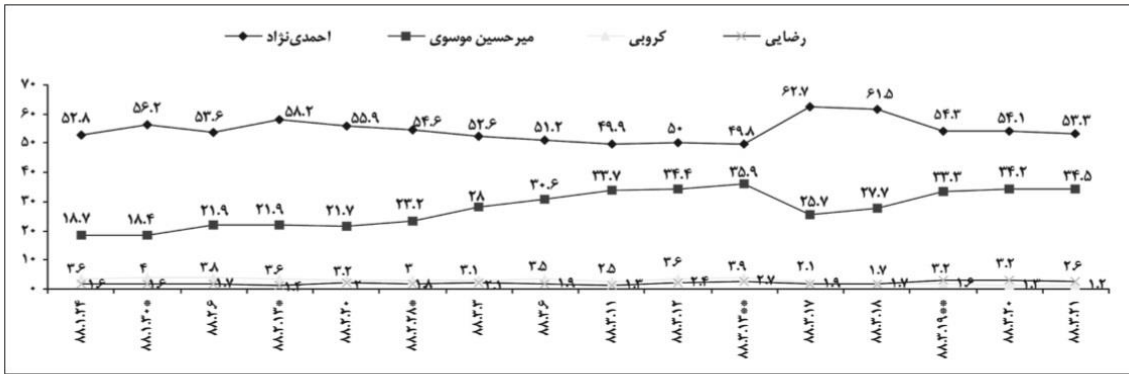
FARS NEWS AGENCY



نظرسنجی‌های داخلی انتخابات

نکته‌ی بعدی، من می‌خواهم استناد کنم به نظرسنجی‌ها. احمد توکلی می‌دانید منتقد درجه‌ی یک دولت بود زمان آقای احمدی نژاد. هنوز هم که هنوز است، زاویه دارند. همین الان آقای توکلی گفته اند که اگر آقای هاشمی یا احمدی نژاد رأی بیاورند من فرار می‌کنم و می‌روم سوریه! زاویه دار بودن ایشان از آن موقع تا حالا، با احمدی نژاد مسجل است اما سایت الف نتایج سه نظرسنجی سراسری - نه نظرسنجی اینترنتی - را قبل از انتخابات منتشر کرد که حکایت از پیروزی قاطع آقای احمدی داشت.

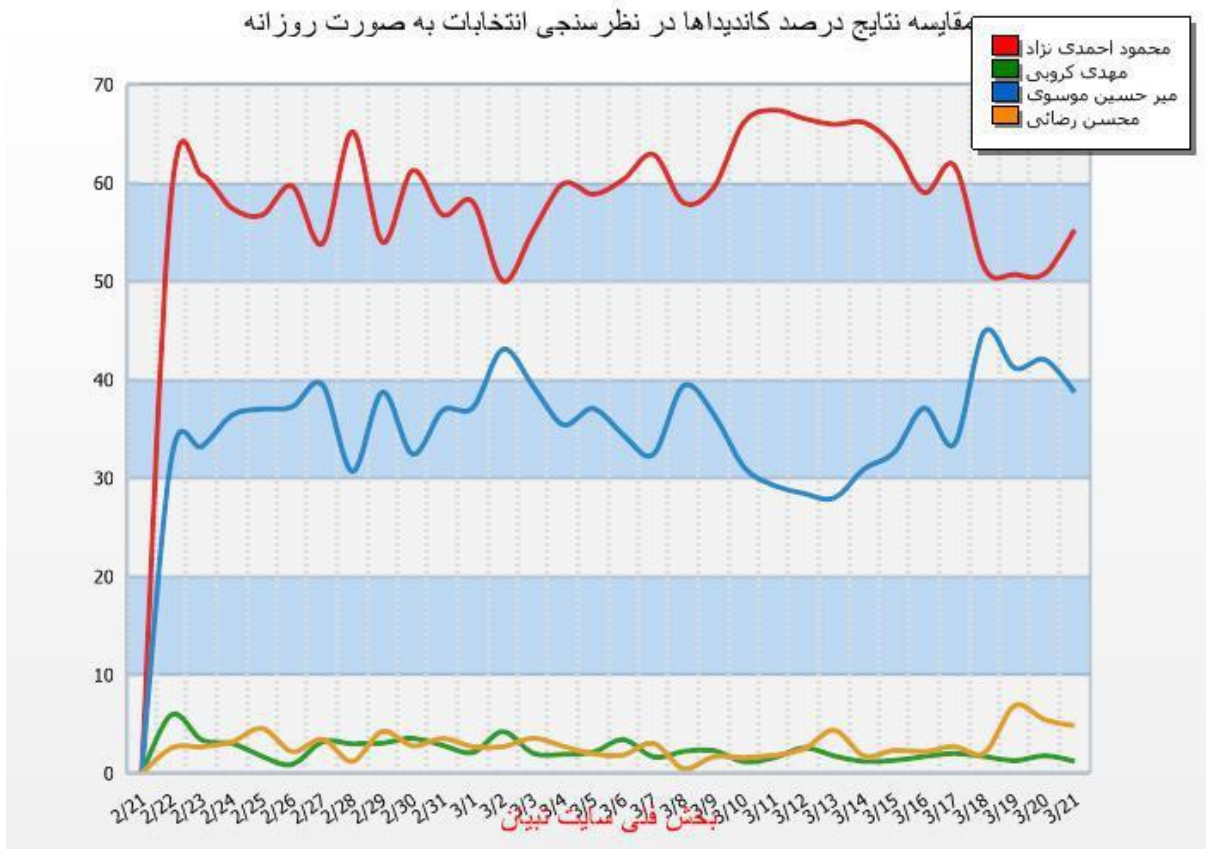
سایت مرکز تحقیقات صدا و سیما هم همینطور. وقتی می‌گویم سایت منتشر کرد معنایش این نیست که مردم رفتند در سایت نظر دادند، نه! میدانی بوده نظرسنجی و نتایج در سایت منتشر شد.



مرکز تحقیقات صدا و سیما دقیق ترین نظرسنجی را در ادوار مختلف داشته است. عینا چیزی که در سال ۸۴ نظرسنجی کرده بود، با یکی دو درصد اختلاف عینا تحقق یافت. در سال ۸۸ هم نظرسنجی کرده بود که عینا با یک یا دو درصد تحقق یافت.

مرکز افکارسنجی جهاد دانشگاهی با نام مخفف ایسپا نیز که خاستگاه اصلاح طلب داشت احمدی نژاد را پیروز اعلام کرده بود.

نظرسنجی روزانه‌ی سایت تبیان که پر بازدیدترین سایت اجتماعی کشور است نیز حکایت از برتری آراء احمدی نژاد داشت و نتایج را به صورت نمودار منتشر کرد.



نظرسنجی‌های خارجی انتخابات

پس این از نظرسنجی‌های داخلی که عرض کردم. البته من کار به نظرسنجی‌های داخلی ندارم چون برای شما حجت نخواهد بود. میخواهم چیزی را برای شما بیان کنم که برای شما حجت باشد؛ سه نظرسنجی خارجی، دو نظرسنجی آمریکایی و یک نظرسنجی کانادایی.

مؤسسه معتبر افکارسنجی TFT نتایج نظرسنجی خود را از دو هفته قبل از انتخابات در روزنامه «واشنگتن پست» منتشر کرد. می‌دانیم که این روزنامه معروف است به روزنامه‌ی نخبگان آمریکا و در واشنگتن چاپ و توزیع می‌شود و به دست مسؤلان می‌رسد. دو هفته قبل از انتخابات منتشر می‌شود که احمدی نژاد دو برابر موسوی رأی دارد، چیزی که در انتخابات محقق شد؛ ۲۵ میلیون در برابر ۱۳ میلیون.



NEW AMERICA
FOUNDATION

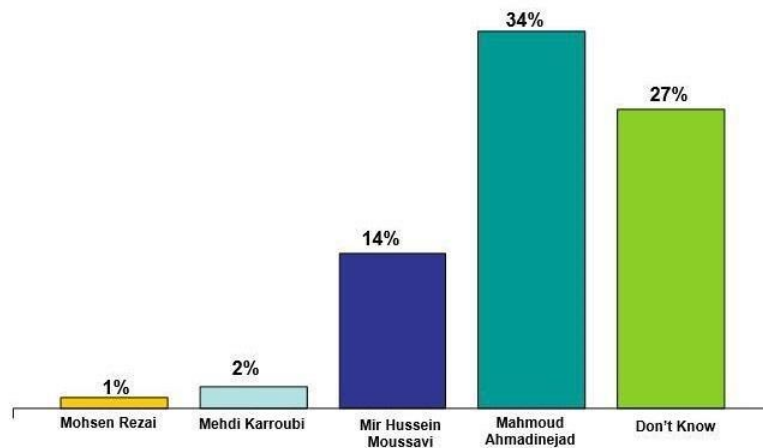
Ahmadinejad Front Runner in Upcoming Presidential Elections;

Iranians Continue to Back Compromise and Better Relations with US and West.

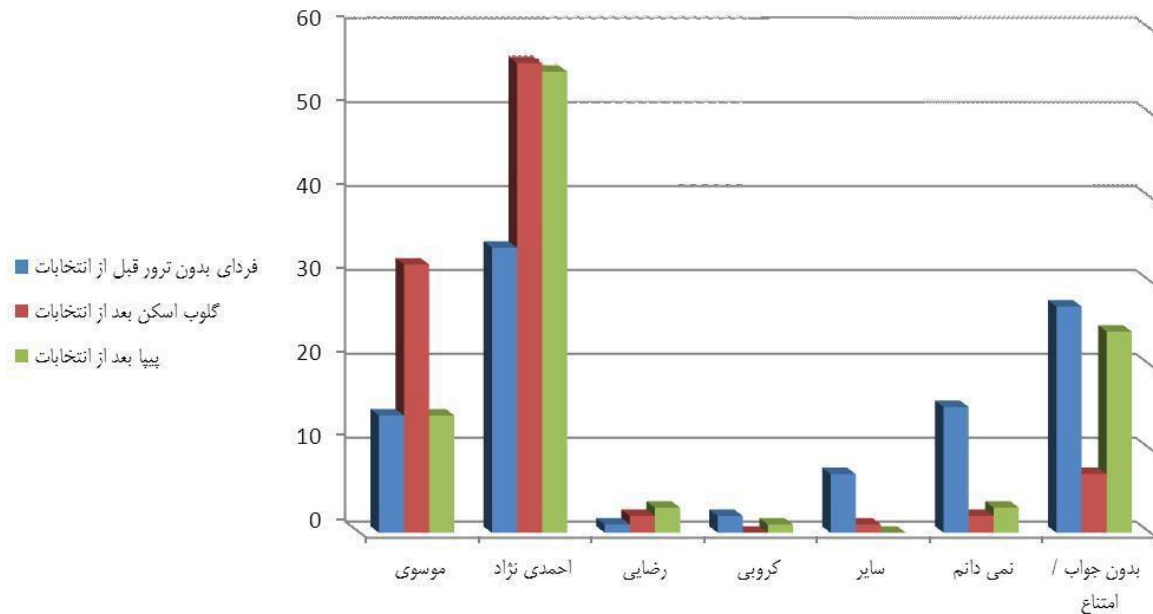
Results of a New Nationwide Public Opinion Survey of Iran before the June 12, 2009 Presidential Elections

On Elections and Democracy:

Who will you Vote for in Presidential Elections?



دو نظرسنجی نیز بعد از انتخابات منتشر شد. نظرسنجی PIPA که توسط سایت WPO منتشر شد و از مردم پرسیده بودند که شما به چه کسی رأی دادید؟ باز هم چیزی حدود ۶۰ درصد نظرشان بر احمدی نژاد بود. یک نظرسنجی کانادایی به نام Globe Scan هم که بعد از انتخابات بود دقیقاً همین نتایج را داشت.



نمی گویم سایت تبیان که پر بازدیدترین سایت اجتماعی کشور است. نمی گویم سپاه، حتی نمی گویم صدا و سیما، میگویم سه نظرسنجی معتبر خارجی، دو آمریکایی و یک کانادایی. TFT قبل از انتخابات، PIPA و Globe Scan بعد از انتخابات، تماماً هر چیزی که اتفاق افتاد را تأیید و تصدیق کردند. دیگر شما دلیلی دارید؟! منطقی دارید؟! حرفی دارید؟!

اذعان منتقدین دولت

نکته بعدی، بسیاری اصولگرایان و اصلاح طلبان هم اذعان کردند به سلامت انتخابات، از جمله بت امروز اصلاح طلبان، آقای علی مطهری. این فرد دیگر در چه موضوعی بوده که حرف خودش را نزنند؟ در چه موضوعی ساز مخالف و مستقل نزده؟ موضوع حصر؟ در موضوع پوشش؟ در موضوع حجاب؟ در موضوعات فرهنگی؟ یک مخالف و منتقد مطلق دولت احمدی نژاد بوده و الآن هم یک مؤید مطلق دولت آقای روحانی است. او نیز گفت که تقلب نشده. البته ایراد می گرفت به این که چرا آقای احمدی نژاد در مناظره

مثلا برگشته گفته بود که بچه‌های هاشمی اموال شان را از کجا آورده اند؟ می‌گویند این «از کجا آوردند؟» ایراد داشت و تحریک کرد سبزه‌ها را اما نتایج انتخابات را مسلم و مسجل می‌دانست.

یک بام و دو هوا

قبل از نکته‌ی بعدی می‌خواهم یک منطق حقوقی و عقلی به شما بگویم. بعضی دوستان، استانداردهای دوگانه دارند. مثلا برای شان سندی می‌آوریم، می‌گویند آقا این دری وری است! ما هم در مقابلشون می‌گوییم که خب حرف متقن شما چیست؟ می‌گویند ایمیل برایم آمده! فلانی داخل فیس بوکش زده! در شبکه‌های اجتماعی آمده!

بابا ما از خبرگزاری رسمی داخلی یا خارجی می‌آوریم، این‌ها را شما نمی‌پذیری، بعد فیس بوک، تویتور، اس ام اس و ایمیل یک نفر برای شما شده جحت؟! ما عکس و فیلم می‌آوریم، در مقابل می‌گویند دروغ است، فتوشاپ و فلان است. بعد حرف روی هوای دیگران را قبول می‌کنید؟!

اعترافات عوامل فتنه در دادگاه

نکته‌ی دیگری که می‌خواهم عرض کنم بحث اعترافات عوامل دخیل در فتنه است. ما می‌گوییم آقا! این‌ها حرف خودتان است. «اقرار العقلای علی انفسهم جایز»، که این اقرار علیه خود، در همه نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده است. چون این علیه «خود» است. اما اتهام و ادعای علیه دیگری نیازمند اثبات است. ما می‌گوییم آقایان اصلاح طلب! آقایان ابطحی، عطریانفر، هدایت الله آقای، کیان تاجبخش، مسعود باستانی، حمزه کرمی و حسین رسام و دیگران اذعان کرده اند که تقلب نشده بود و اعتراف کردند به کجاها وصل بودند. اما می‌گویند نه، این‌ها دروغ است!

می‌گوییم چرا؟ می‌گویند چون شکنجه شده اند! می‌گوییم اینها که همه جایشان سالم بود! می‌گویند امپول اعتراف گیری زدند به آن‌ها! آخه این چه امپولی است که روی برخی جواب می‌دهد و روی برخی خیر؟ مگر بهزاد نبوی و تاجزاده ای که اعتراف نکردند آدم نبودند؟!

بعد می‌گوییم خب اگر اعتراف این‌ها دروغ است، چی راست هست؟ می‌گویند اعتراف و اقرار آنها دروغ است اما ادعای اثبات نشده ما راست است! به این می‌گویند استانداردهای دوگانه. نمی‌شود حرفی که

خودشان علیه خودشان می‌زنند را بگویند دروغ، حرفی که علیه دیگری می‌زنند بدون سند و اثبات بگویید راست!

اعترافات غیر دادگاهی سران اصلاحات

چندتا نمونه‌ی جالب دیگر از این اعترافات برای شما می‌گوییم. آقای سعید حجاریان، نه دوره‌ای که رفته بود دادگاه، بلکه همین سه سال پیش و چند سال بعد از آزادی‌اش، خبرگزاری تسنیم با او مصاحبه کرد. سعید حجاریان کیست؟ مغز متفکر اصلاحات و مشاور ارشد آقای خاتمی در دولت اصلاحات. این فرد گفت و اذعان کرد نه تقلب شده بود و نه تخلف شده بود. پس چه شده بود؟ این عین اصطلاحش هست که «تدلیس سیستماتیک» بود. تدلیس سیستماتیک یعنی چه؟ یعنی همین که دولت مثلاً می‌رود و یک مصوبه‌ای را می‌گذرانند و به نفع توده‌ها می‌شود، بعد توده‌ها این طوری فریب می‌خورند و رأی شان فرد می‌شود. سعید حجاریان مغز متفکر اصلاحات، تقلب را رد کرد.

فارسی

صفحه اول | پخش زنده | ویدیو | تلویزیون | رادیو | ایران | افغانستان | جهان | هنر | ورزش | اقتصاد | دانش

حجاریان: در انتخابات ۸۸ نه تقلب شد نه تخلف؛ تدلیس سیستماتیک بود

همرسانی

12 اوت 2013 - 21 مرداد 1392



سعید حجاریان از نظریه پردازان جریان اصلاحات سیاسی در ایران در گفتگویی با خبرگزاری تسنیم درباره انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ گفته بحث ما این نیست که تخلف و یا تقلب شده است بلکه واقعه‌ای اتفاق افتاده است که اسم آن "تدلیس سیستماتیک" است.

آقای خاتمی در نشست خود با جمعی از دانشجویان اصلاح طلب نشسته بود، فایل صوتی اش آمد، نگفت تقلب نشده است اما گفت من نمی‌گویم تقلب شده است؛ فایل صوتی اش را دیده اید حتما.

اکبرگنجی در مقاله‌ای که نوشته بود برای سایت رادیو فردا گفته بود اصلاح طلبان در محافل شان می‌گویند مردم همانگونه رأی دادند و اینکه خاتمی هم در محافل خصوصی گفته تقلب نشده. آقای تاج زاده، معاون سیاسی وزارت کشور زمان آقای خاتمی، زمانی که در اوین بود، با دوربین مخفی، ضبط کردند، در دادگاه او اعتراف نکرد، زندانی اش را کشید، حبسش را هم کشید. هنوز هم سر موضع خودش هست، پس این حرفش، این اعتراف صرفاً در گعده‌ی خودمانی شان بوده.



در جمع حلقه‌ی دوستان بودند، فیلمش هم هست اگر مشاهده نکرده اید ببینید. در جمع آقایان صفایی فراهانی و رمضان زاده می‌گفت که من انتخابات برگزار کردم، من سیستم وزارت کشور را می‌شناسم، نمی‌شود تقلب بشود، یازده میلیون اختلاف امکان ندارد، آخرش شاید یک یا دو میلیون، اما یازده میلیون امکان ندارد. این‌ها اعتراف کسانی بود که در دادگاه اعتراف نکردند، که بعضی‌ها بخواهند ان قلت بکنند که مثلاً تحت شکنجه بودند.

این‌ها را شما دلیل نمی‌دانید؟ بعد ببینید ما می‌خواهیم خیلی سطح بالا در سطح فرهیختگی صحبت کنیم با افراد، ادله‌ی منطقی می‌آوریم؛ ناگهان می‌بینیم طرف می‌گوید تقلب شده، شکنجه شده!

اگر شکنجه بوده به کجای شان زدند؟! می گفتند یک آمپول هایی از آلمان آمده، دارند به این ها می زنند تا اعتراف کنند. حالا بگوئید ببینم این آمپول ها چرا روی بعضی ها جواب می دهد و روی بعضی دیگر جواب نمی دهد؟!

سعید حجاریان و تاج زاده و بهزاد نبوی چرا اعتراف نکردند؟ از آن طرف عطریان فر، حسین رسام، محمد علی ابطحی و هدایت الله آقایی چرا اعتراف کردند؟ اعتراف این اشخاص را می گذارید پای شکنجه و آمپول اعتراف گیری؟! اگر این آمپول روی بدن این افراد کار می کند، چرا روی بدن دیگران کار نمی کند؟! آقای آخوندی وزیر فعلی راه هم که آن موقع نماینده ی موسوی بود رسماً در دیدار با رهبری اعلام کرد نتیجه همان است که اعلام شده و مردم اینگونه رأی داده اند.

پیشنهاد مهاجرانی در تعیین سلامت انتخابات

نکته ی بعدی، آقای مهاجرانی که مواضعش برای همه مشخص است در BBC گفت اگر دولت می خواهد اثبات کند ثقلب نشده ریز آراء کشور را منتشر کند. چرا گفت؟ چون تاکنون سابقه نداشته و به خیال خود ارجاع به محال داده.



سابقه نداشته که در جمهوری اسلامی ریز آراء صندوق ها منتشر بشود. به دلایل امنیتی و لو نرفتن نظرات مردم محلات کشور که حتما برای دشمن، شناخت بافت فکری مناطق شهرها و روستاها ارزشمند است. اما در این انتخابات یک مصلحت بالاتری بود، برای اولین بار، ریز آراء تفکیکی صندوق های کشور اعلام شد که کدام صندوق کلاً چندتا رأی داشته، چه کسی چندتا رأی آورده، چندتا آراء باطله داشته. نکته این

که ویژگی ریز آراء چه می‌تواند باشد؟ یا این که شما روی آراء هر صندوق ایراد می‌گیرید، یا اینکه می‌گویید سر جمع در جمع و شمارش ایراد بوده. خب آمار ریز آراء و صندوق‌ها هست. خب در محاسبه و جمع زدن خودتان ببینید. خودتان ببینید که آیا مشکلی هست یا نه.

آقای مهاجرانی فکر می‌کرد توپ را می‌اندازد داخل زمین نظام، فکر می‌کرد دارد یک درخواست محال می‌کند از نظام، اما منتشر شد.

اولین‌های انتخابات ۸۸

برای اولین بار ریز آراء تفکیکی صندوق‌های کشور منتشر شد. ده درصد آراء انتخابات به صورت تصادفی شمرده شد. پنج روز بیشتر وقت داده شد برای ارائه‌ی مستندات ادعای تقلب. تمامی این تمهیدات اندیشیده شد. حتی گفتند ما حاضریم آقای موسوی بگوید کدام صندوق مشکل دارد، ما تمامی کد ملی‌های آن صندوق را مشخص می‌کنیم که چه کسانی در این صندوق رای دادند و طبق این کد ملی‌ها و همراه با نماینده‌ای از آقای موسوی به تک تک آدرس‌های صاحب کد ملی می‌رویم و می‌گوییم شما صاحب این کد ملی به چه کسی رای دادید. اما باز هم آقای موسوی زیر بار نرفت.

نظارت چندگانه بر آراء

نکته‌ی بعدی اینکه آیا اطلاع دارید سیستم شمارش رأی در وزارت کشور چگونه هست؟ سیستم شمارش رأی وزارت کشور به این صورت است که یک عده از نمایندگان وزارت کشور، یک عده از نمایندگان شورای نگهبان، نمایندگان کاندیداها و معتمدین محلی که معمولاً مدیران مدارس و هیات امنای مساجد هستند، این افراد تماماً پای صندوق رأی هستند، این چهارده نفر، مجموع نمایندگان و غیره رأی‌ها را می‌شمارند که باید با قاطعیت بگوییم این افراد با چهارده جفت چشم، روی هر صندوق نظر میدهد که کی به کی رأی می‌دهد و امضاء می‌کند پای نتایج شمارش را. و جالب است که به شما بگوییم آقای موسوی با ۳۰ هزار ناظر در ۹۰٪ حوزه‌ها ناظر داشت درحالی‌که آقای احمدی نژاد با ۲۶ هزار ناظر در ۷۲٪ حوزه‌ها ناظر داشت.

نظریه‌ی داماد لرستان

نکته جالب اینکه بشنوید یک استدلال فوق منطقی از «پروفسور» زهرا رهنورد که به BBC اعلام کرد از محکمترین ادله‌ی تقلب در انتخابات این است که من لر هستم، موسوی بارها گفت من داماد لرستان هستم و این فرد در مناطق لر نشین رأی نیاورده است و باقی دلایل نیز شبیه همین است.



حالا جالب است این حرف که هیچی، خودتان تشخیص بدهید و سطح حرف را بسنجید، حالا این حرف در چه صورتی زده شد؟ در صورتی که فعلا مردم ایران دو تا فرزند لر - کروی و محسن رضایی - دارند در انتخابات، این‌ها بیایند فرزندان خودشان را رها کنند و به دامادشان رأی بدهند؟ عرصه، عرصه‌ی داماد سالاری شده؟! پدرسالاری و زن سالاری و فرزند سالاری شنیده بودیم، داماد سالاری نشنیده بودیم تا حالا!

استدلالی ندارد اما اعتقاد دارد تقلب شده!

جالب است به شما بگویم که اخیراً همین آقای حسین دهباشی - این آقا را میشناسید یا نه؟ مستند ساز فیلم انتخاباتی آقای روحانی در سال ۹۲ - یک مجموعه مصاحبه هایی دارد با شخصیت‌های سیاسی در مجموعه ای به نام «خشت خام». آقای حسین دهباشی آمد اولین برنامه اش را با فائزه هاشمی صحبت کرد. گفت خانم فائزه هاشمی! شما در مجلس پنجم، اول شده بودید یا دوم؟ فائزه گفت من خودم هم نمی‌دانم ولی مامان معتقد است که من اول بودم. آقای حسین دهباشی می‌پرسد استدلال ایشان چیست؟ فائزه می‌گوید استدلالی ندارد ولی معتقد هست من اول بودم ولی مرا دوم خوانده اند!



بینید خانواده سالاری و این الیگارش‌ی خانوادگی چطور بلا به سر این مردم می‌آورد. این از «معتقده اول شدم» و آن هم از «بریزید توی خیابان‌ها» مملکت بازیچه‌ی پیرزن شده!

پیروزی میلیمتری روحانی

نکته‌ی بعدی، در حجت پاکدستی نظام همین بحث است که رییس جمهوری که همه می‌دانند با شعار مذاکره با آمریکا آمد و رییس جمهوری که همه به عنوان مهره‌ی هاشمی میشناسند او را و این قدر عداوت دارد با آقای احمدی نژاد، در دولت احمدی نژاد تنها با ۷،۵۰ درصد، معادل ۲۵۰ هزار رای بیش از نصف در انتخابات ۹۲ پیروز شد. حال نظامی که به قول شما ۱۱ میلیون تقلب کرده، آیا نمی‌توانست ۲۵۰ هزار رأی را بالا و پایین بکند؟ در انتخابات اخیر مجلس و خبرگان نیز لیست خبرگان هاشمی در تهران

با وجود نظر بسیار مثبت رهبری به آقایان یزدی و مصباح و اینکه رهبری گفتند مردم هوشیار باشند و به لیستی که مورد حمایت انگلیس است رأی ندهند، اما لیست خبرگان در تهران به جز آقای جنتی که خارج لیست بود، بقیه‌ی افراد آن لیست یکپارچه رأی آورند و این دو فرد معتمد و محبوب رهبری حذف شدند. این‌ها را شما ادله‌ی پاک دستی نظام نمی‌دانید؟

مداخلات غربی

برگردیم سر فاز دیگر صحبت. چند تا نکته به شما بزرگواران بگویم از انتخابات سال ۸۸، دخالت بیگانگان را ما دیدیم. بنیاد جامعه‌ی باز جورج سروس، NED یا همان صندوق اعانه ملی برای دموکراسی، مؤسسات بروکینگز، کارنگی، راکفلر، هوفر و غیره تماما در آموزش و هدایت فکری و کمک مالی فتنه نقش ایفا کردند.

دخالت مستقیم سفارت انگلیس را در این انتخابات دیدیم. این قدر برایشان مهم بود که حتی برای اینکه یک نیرو بیشتر بشود در فتنه، دیپلمات‌های خودشان را می‌فرستادند داخل اغتشاشات و این‌ها را از کشور اخراج کردیم.

جالب است بدانید سیمور هرش روزنامه نگار معروف آمریکایی فاش کرد تنها در یک مورد آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ بی ثبات سازی ایران اختصاص داده بود.



به روز شده: 04:19 گربوئیچ - یکشنبه 29 ژوئن 2008 - 09 تیر 1387

عملیات 400 میلیون دلاری آمریکا در ایران

از دیگر رسانه‌ها
استرانیژی جدید آمریکا برای
ایران و خاورمیانه



'اسه عقرب در یک بطری'
مصاحبه با سیمور هرش درباره
سیاست آمریکا در قبال ایران



به گفته سیمور هرش حمایت آمریکا از مخالفان حکومت ایران ممکن است به سرکوب خشونت آمیز دیگر اندیشان بیانجامد که این به نوبه خود بهانه‌ای به جورج بوش برای حمله به ایران می‌دهد.

بر اساس مقاله روز یکشنبه هفته نامه نیویورکر رهبران کنگره آمریکا اوایل سال گذشته با درخواست مالی جورج بوش برای گسترش قابل توجه عملیات مخفیانه به منظور بی ثبات کردن حکومت ایران موافقت کردند.

این مقاله که توسط سیمور هرش نوشته شده مبتنی بر سند بسیار محرمانه‌ای است که توسط جورج بوش امضا شده و بر اساس قانون باید به اطلاع رهبران هر دو حزب کنگره آمریکا برسد.

هیلاری کلینتون هم رسماً گفته بود تویتز قصد داشت سایتش را بازسازی کند، اما ما به آنها گفتیم که دست نگه دارند در انتخابات، الان مخالفان دارند استفاده می‌کنند از این ظرفیت و با تویتز کار داریم.

مداخلات عربی

من این را به شما بگویم در اسنادی که شبکه‌ی الجزیره‌ی قطر منتشر کرد، فاش شد محمود عباس، کسی که دست‌گذاری اش به روی همه دراز است، ۵۰ میلیون دلار به موسوی کمک مالی کرد.



Palestinian distrust of Iran revealed in leaked papers

Mahmoud Abbas asked businessman to donate \$50m to Mahmoud Ahamdinejad opponents, according to the documents



شما حساب کنید وقتی محمود عباس چلغوز ۵۰ میلیون دلار پول میدهد، بعد که وزیر اطلاعات می‌گوید ملک عبد الله طبق اعترافات عوامل دستگیر شده‌ی فتنه، یک میلیارد دلار به جنبش سبز اختصاص داد، نگویید مگه میشه؟ مگه داریم؟ واقعا خیلی برای تان عجیب است این کمک؟ آل سعود طبق اسناد ویکی لیکس خواستار حمله‌ی آمریکا به ایران با هزینه‌ی عربستان شده بود و به بوش گفته بود بیا و «سر مار» را قطع کن. و مدام پول خرج می‌کند داخل یمن، سوریه، لبنان و عراق. اینکه او بیاید و برای براندازی

ایران هم یک میلیارد دلار اختصاص دهد عجیب است؟ مگر همین عربستان در جنگ تحمیلی حداقل ۲۷ میلیارد دلار به صدام کمک نکرد؟ مگر در انتخابات پارلمانی لبنان، مشترکا با کویت یک میلیارد دلار خرج نکرد؟ مگر نمی‌دانید در بهار ۸۸ و قبل از انتخابات، خاتمی با ملک عبد الله در مزرعه‌ی خصوصی اش دیدار داشت؟

مداخلات عبری

شیمون پرز رئیس جمهور وقت اسرائیل در فتنه رسماً گفته بود اصلاح‌طلبان بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در ایران هستند و جای دیگری نیز گفت اصلاح‌طلبان به نمایندگی از اسرائیل با رژیم اسلامی ایران می‌جنگند. سران جنبش سبز هم کوچکترین اعلام برائتی نکردند و حتی جنبش سبز در پی فراخوان سایت وزارت خارجه‌ی اسرائیل در روز قدس شعار دیکته شده را داد و گفت نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران! البته تحرکات و مداخلات دشمن محدود به این موارد نیست، اینها تنها بخش عیان ماجرا است و گرنه مانند کوه یخ است که بخش اعظم آن زیر آب و تنها بخش کوچکی روی آب و قابل رؤیت است.

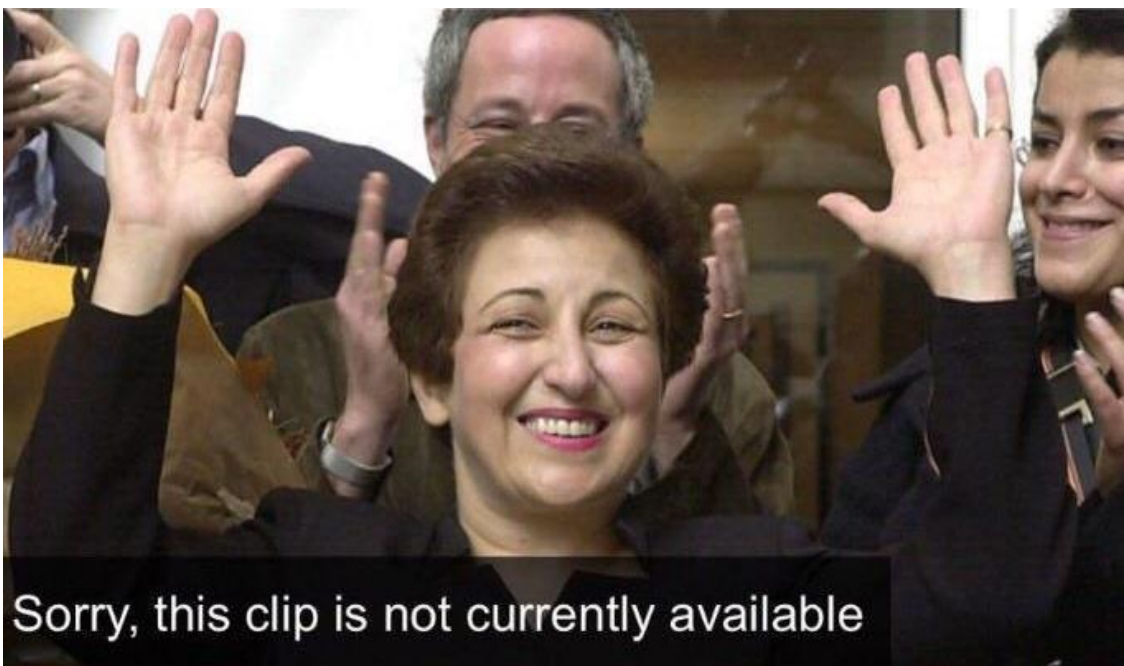


تحریم، واضعان دیروز، ناجیان امروز!

حالا چند تا نکته به شما بگویم در نقش فتنه‌ی ۸۸ در تحریم‌هایی که امروز با آن‌ها مواجه هستیم. خب چند تا کد به شما بدهم.

در سال ۸۶ محمد رضا خاتمی در سفارت آلمان از سفیر آلمان پرسیده بود تحریم‌های جدید شورای امنیت کی تصویب می‌شود؟ و خواستار تعجیل در آن شده بود.

خانم شیرین عبادی چند نوبت خطاب به سران اروپا خواسته بود تحریم اقتصادی و سیاسی را علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر کنند.



Sorry, this clip is not currently available

Iranian Nobel Laureate: stop trade with Iran

The Iranian Nobel laureate Shirin Ebadi has called for trade exchanges with Iran to be suspended until the human rights situation there improves.

She says it is now worse than when she won the peace prize in 2003, and that Western powers should have pushed Iran on its human rights during the nuclear negotiations. Her words are spoken by a translator.

در اسناد ویکی لیکس هست -بروید مراجعه کنید- که در بحبوحه‌ی فتنه‌ی ۸۸، سفیر اتریش در تهران با آقای هاشمی رفسنجانی دیدار داشت. آقای هاشمی به سفیر اتریش گفت به غربی‌ها بگویید در دو محور حقوق بشر و تقلب در انتخابات روی ایران فشار بیاورید. می‌دانید چقدر از این تحریم‌های ما تحریم‌های حقوق بشری هست؟



Press release

About PlusD

Browse by creation date

1966	1972	1973
1974	1975	1976
1977	1978	1979
1985	1986	1987
1988	1989	1990
1991	1992	1993
1994	1995	1996
1997	1998	1999
2000	2001	2002
2003	2004	2005
2006	2007	2008
2009	2010	

Browse by Classification

UNCLASSIFIED
CONFIDENTIAL
LIMITED OFFICIAL USE
SECRET
UNCLASSIFIED//FOR OFFICIAL USE ONLY
CONFIDENTIAL//NOFORN
SECRET//NOFORN

Browse by Handling Restriction

EXDIS - Exclusive Distribution Only
ONLY - Eyes Only
LIMDIS - Limited Distribution Only
NODIS - No Distribution (other than to persons indicated)
STADIS - State Distribution Only
CHEROKEE - Limited to senior officials

PUBLIC LIBRARY OF US DIPLOMACY

Specified Search

View Map

Make Timegraph

View Tags

Image Library

AUSTRIAN AMBASSADOR TO IRAN DESCRIBES ELECTIONS AS DRIVING TEHRAN ENVIRONMENT

Date: 2009 December 9, 13:43 (Wednesday)

Canonical ID: 09UNVIEVIENNA553_a

Original Classification: CONFIDENTIAL

Current Classification: CONFIDENTIAL

Handling Restrictions: -- Not Assigned --

Character Count: 15040

Executive Order: -- Not Assigned --

Locator: TEXT ONLINE

TAGS: AORC - Administration-International Organizations and Conferences | AU - Austria | IR - Iran | KNNP - Nuclear Non-Proliferation | PREL - Political Affairs-External Political Relations

Concepts: -- Not Assigned --

Enclosure: -- Not Assigned --

Type: TE - Telegram (cable)

Office Origin: -- N/A OR BLANK --

Archive Status: -- Not Assigned --

Office Action: -- N/A OR BLANK --

From: UNITED NATIONS (VIENNA)

Markings: -- Not Assigned --

To: AUSTRIA VIENNA | INTERNATIONAL ATOMIC ENERGY AGENCY (VIENNA) | IRAN IRAN COLLECTIVE | SECRETARY OF STATE

Content

[Raw content](#) [Metadata](#)

[Share](#)

[Print](#)

[Show Headers](#)

Classified By: DCM Geoff Pyatt for reasons 1.4 (c) and (e)

1. (C) Summary. On December 3, former Austrian Ambassador to Tehran Michael Postl (please protect) debriefed MsnOff on his final calls on Iranian officials as he left post. He noted that former Presidents Khatami and Rafsanjani both had extracted themselves from the normal political scene and were focused on tangential issues where their weight could still be felt. Nevertheless, Rafsanjani suggested that it would be helpful if the West spoke out against the election fraud and human rights violations that followed.

همین آقای صادق خرازی اصلاح طلب که قبل از انتخابات ۸۸ با آقای خاتمی رفته بود عربستان که دیدار داشتند با ملک عبد الله، همین صادق خرازی مؤسس حزب اصلاح طلب «ندا» اعلام کرد زمانی که من در فرانسه سفیر بودم، عده‌ای از اصلاح طلب‌ها داخل فرانسه گرامی‌دانند به دشمن. و گفت من لیست این افراد را دارم اما به نهادهای اطلاعاتی نمی‌دهم و اگر لازم شد روزی گزارشش را به ملت خواهم داد.



آقای نیک آهنگ کوثر، مشاور مهدی هاشمی و همکارش در بهینه سازی مصرف سوخت، فایل صوتی مهدی هاشمی را منتشر کرد که به مهدی هاشمی می گفت چرا شما هاشمی ها رو بازی نمی کنید؟ مهدی پاسخ می دهد شما نگاه نکن چند تا تظاهرات و بد و بیرا به آقای خامنه ای و رهبری و نظام می دهید، کاری که ما این جا انجام می دهیم، صد برابر بدتر از کار شماست. بعد گفت در خانواده ی ما کارها تقسیم شده است. همین نیک آهنگ در ویدوی ضبط شده بعدا گفت یکی از نکاتی که مهدی به من گفت این بود که وقتی فهمید من می خواهم بروم واشنگتن، گفت برو آنجا و بین می توانی تحریم های ایران را تشدید کنی.



روزنامه نیویورک تایمز جزء سه روزنامه پرفروش در آمریکا است. در رساله‌های دانشجویی چه پایان نامه و چه رساله‌ی دکتری ارجاع به روزنامه قبول نیست، اما نیویورک تایمز این قدر معتبر قلمداد می‌شود که استناد به مطالب آن کاملاً در قالب استانداردهای ارجاع قرار می‌گیرد. همین روزنامه چند ماه پیش فاش کرد و ضمن اشاره به تاریخچه‌ی تحریم‌های ایران گفت که حوادث انتخابات ۸۸ ایران، قطعنامه‌ی تحریمی ۱۹۲۹ – که از قضا سخت‌ترین و شدیدترین تحریم اقتصادی است – را جایگزین راهبرد مذاکره‌ی اوباما با ایران کرد و این دقیقاً چیزی بود که قبل‌تر جلیلی مطرح کرده بود که آمریکایی‌ها قبل از انتخابات با وساطت عمان برای پذیرش غنی‌سازی ۲۰٪ اعلام آمادگی کرده بودند اما شد آنچه شد و الان در برجام سقف غنی‌سازی ۳٫۵ درصد است.

For Hillary Clinton and John Kerry, Divergent Paths to Iran

By MARK LANDLER MAY 2, 2011



Hillary Clinton's motorcade outside of Sultan Qaboos bin Said's palace in Muscat, Oman. Kevin Lemaire/Agence France-Presse — Getty Images

WASHINGTON — Early in 2011, after a hectic visit to Yemen, Secretary of State [Hillary Clinton](#) landed in the tranquil Arab sultanate of Oman. She was there to talk to Sultan Qaboos bin Said about an idea one of his envoys first pitched to the State Department in the spring of 2009: that Oman serve as a conduit for secret nuclear talks between the United States and Iran.

Mrs. Clinton agreed to explore the proposal but was dubious that it would go anywhere. "Even under the best of circumstances," she wrote later, "this was a long shot." It would be 18 months before she took up the sultan on his offer and dispatched a team of diplomats to Oman to meet with the Iranians.

Mrs. Clinton, however, was not the only prominent American making discreet trips to Oman in those days. Senator [John F.](#)

he chairman of the Senate Foreign Relations

IRIB NEWS.IR



What to Watch

Donald Trump Could Be Deaf

Experts Warn China Trade P

اوبامایی که قبل از انتخابات نامه نوشته بود به رهبری و گفت ما آماده حل و فصل اختلافات هستیم، وقتی دید شکاف در حاکمیت با سرمایه گذاری و اقدام مشترک داخل و خارج نتیجه داده، تغییر راهبرد داد و ضربه‌های پیاپی را وارد کرد.

آن موقع در سال ۹۲ که جهش ارز داشتیم، آقای حسین فریدون و شریکش، علی صدقی، که به برکت رفاقت و شراکت با فریدون مدیر نجومی بگیر بانک رفاه شد، صرافی بی مجوز زده بودند!



با این حال جالب است که عاملان و واضعان تحریم، دلواپسان امنیت ملی و اقتدار ملی را متهم می‌کنند به کاسب تحریم بودن! ما کاسب تحریم هستیم یا شما؟ ما صرافی زدیم یا شما؟ چه کردیم که کاسب تحریم هستیم؟

آقای مایکل لدین حدود شش ماه پیش مطرح کرد که در بحبوحه‌ی فتنه ۸۸ به موسوی پیغام دادیم که ما چه کمکی میتوانیم برایتان انجام بدهیم؟ عین همین جمله را گفت که سبزه‌ها پاسخ دادند و گفتند که تحریم‌ها را بیشتر کنید.

Schumer And The Secrets Of Iran



Michael Ledeen, CONTRIBUTOR

I write about Italy, Iran and fascism. [FULL BIO](#) ✓

Opinions expressed by Forbes Contributors are their own.

I'm fascinated by the Schumer thing, because I know something about his past involvement with Iran policy that may well have played a role in his decision to oppose The Deal. Senator Schumer had a direct, personal involvement in a brief secret correspondence between the Obama Administration and the leaders of the massive insurrection against the Iranian regime in 2009, following the fraud concerning the outcome of the June elections in Iran. Former Prime Minister Mir Hossein Mousavi got the most votes, while then-current President Mahmoud Ahmadinejad was proclaimed the winner. The streets of all major cities filled with protestors, bigger than the monster crowds that had massed

در قول و فعل و تقریر تماما خواستار تحریم بودند اما نیروهای انقلابی را متهم می کنند. نیروهای انقلابی را که جانشان را کف دست گرفتند و از خرمشهر تا حلب مبارزه می کنند، این افراد را متهم می کنند به کاسب تحریم بودن! آخرین برگ خیانت شان هم همین چند روز پیش در سالروز عملیات کربلای چهار انجام دادند. عملیاتی که آن غواص های شهید را بر جای گذاشت. آخرین برگ را هم در سالگرد عملیات کربلای چهار رو کردند که ۳۰ نفر دیگر از اصلاح طلبان و ضد انقلاب خارج نشین نوشتند به ترامپ که تحریم های شدیدتر بر ایران اعمال کنید. بعد که سروصدا شد، گفتند منظورمان تحریم علیه سپاه است! درحالیکه الان سپاه صد درصد تحریم است. الان که کل مملکت را فلج کردند با تحریم، فقط گندم را تحریم نکردند! دیگر چه چیزی شدید تر از این میخواهد بشود؟! علت عدم تحریم گندم و محصولات کشاورزی هم شاید این باشد که دارند انواع و اقسام خوردنی ها و خوراکی های تراریخته را به خور ملت می دهند و گرنه این خوراک را هم زودتر تحریم میکردند.

پرونده‌ی حصر

یک نکته هم بگوییم در مورد پرونده حصر. دوستان! بر خلاف تصورات شما، پرونده‌ی حصر ناشی از چندین مورد جرایم و خیانت در ۸ ماه فتنه که در قانون جرم انگاری شده، نبود. جرایمی چون تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی، محاربه، افساد فی الارض، دعوت به تجمعات غیر قانونی، جاسوسی، آسیب به جان و مال مردم و غیره. به هیچ کدام از این دلایلی که گفتم سران فتنه حصر نشدند. حصر برای چه زمانی بود؟ ۲۱ ماه بعد از انتخابات و ۱۳ ماه بعد از ۹ دی بوده. خرداد ماه انتخابات بود، با تمام جنجال‌ها داستان رسید به ۹ دی، این روز چه روزی بود؟ اوج جمعیت راهپیمایی بود که مردم خواستار اعدام موسوی شدند و شعار «موسوی و کربوبی اعدام باید گردند» و «مرگ بر موسوی» سر دادند. اگر نظام آن موقع قصد حصر داشت، بهترین موقع بود. اما حصر چه زمانی صورت گرفت؟ اسفند ۸۹!

۲۲ بهمن ۸۸، انقلاب مصر بود، استراتژی دشمن «پاسخ در تهران» بود، ۲۲ بهمن انقلاب مصر بود، ۲۵ بهمن داخل تهران به دستور و فرمان و بیانیه‌ی آقایان، در تهران شلوغ کردند که انقلاب‌های منطقه یعنی مصر و تونس را بکشاند به ایران و تهران. یعنی همانطور که از تونس یه مصر سرایت کرد، می‌خواستند از مصر هم به ایران کشیده شود. این را بدانید.

نکته‌ی دوم، مبانی قانونی حصر است که مطابق اصل ۱۷۶ قانون اساسی است که واجد صلاحیت تصویب مصوبات امنیتی را دارد و در موضوع حصر هم حکم دادستانی را دارد و هم از قضا امضای شخص آقای روحانی را پای مصوبه‌ی شورای امنیت ملی دارد. این هم مبانی قانونی حصر.

حکمتش چه بود؟ این بود که وقتی حضرت علی(ع) در جنگ جمل عایشه را دستگیر می‌کند و شکست می‌دهد لشکر عایشه را، عایشه را به منزل می‌فرستند. اگر حضرت، عایشه را مجازات می‌کرد، شر می‌شد که چرا علی(ع) حرمت ناموس پیامبر را نگه نداشته! آزاد هم اگر می‌گذاشت، جملی دیگر به وجود می‌آمد. کاری که حضرت علی علیه السلام انجام دادند این بود که عایشه را با چندتا زن به منزل فرستاد و بهش اخطار داد سرجایش بنشیند.

علت حصر چه بود؟ علت حصر این بود که این افراد اگر دادگاهی بشوند، نتیجه اش بی تردید به استناد مواد متعدد قانون مجازات، چیزی جز اعدام نیست. اعدام بشوند یک جور شر است، آزاد باشند هم یک جور شر است. بهترین کار این است که داخل ویلاهای مجلل و بزرگ که ناشی از اموال حرامشان است ساکن شوند و تا آخر عمر از ماساژ، استخر و غیر بهره ببرند. بنده به شما عرض کنم که اینها دَر و

دیدارهای شان را مرتب دارند. اما رسانه ای نمی‌شود چون قرار نیست بشود. می‌دانستید موسوی داخل ویلایی ۱۰۱۱ متری محصور است؟ این ویلاها از کجا آمده؟ یک هفتادم قیمت آن روز از طرف آقای هاشمی به موسوی واگذار شد! این بزرگترین ملک نجومی واگذار شده در تاریخ جمهوری اسلامی است. آقای کروبی اکنون به واسطه‌ی رشوه‌هایی که از شهرام جزایری گرفت، در ویلایی مجلل در جماران هست، این را از کجا آورده؟

خود این فرد اعتراف کرد که ۳۰۰ میلیون پول دستی از شهرام جزایری گرفته است! ۳۰۰ میلیون تومان با دلار ۷۰۰ - ۸۰۰ تومانی! یک ۲۰۰ میلیون تومان دیگر هم گرفته است، جزایری اعتراف کرد اما کروبی آن را انکار کرد.

آقایان داخل ویلاهای شان نشستند. اگر بمیرند، خون این افراد بیخ ریش نظام است. لذا همه نوع ماساژ درمانی، استخر درمانی و رفاه شان به راه است. این آقایان اینقدر که در حصر عمر می‌کنند که اگر در بیرون حصر بودند، این قدر عمر نمی‌کردند! [خنده‌ی حضار]

تکرار خدعه‌ی معاویه

بشناسید عوامل فتنه‌ی ۸۸ را، عوامل تحریم مردم و فلج شدن اقتصاد را. بشناسید خدعه‌ی معاویه را که همه هم شنیده اید. یک چیز جالبی خواندم که می‌گفت تنها چیزی که از تاریخ آموختیم این است که هیچ نیاموختیم!

زمان حضرت علی(ع) معاویه بزغاله‌های بچه‌های کوفی را می‌دزدید و بعد می‌گفت که علی و اصحاب علی دزدیده اند تا کینه را به طرف علی و یاران او روانه کنند.

بنده با ده‌ها کد و سند و با استناد به اسناد خود غربی‌ها، با استناد به صحبت خود اصلاح طلب‌ها تبیین کردم که چگونه این‌ها در راه تحریم ایران تلاش کردند. حال بعد ما شده ایم کاسب تحریم؟! آنها شدند ناجی تحریم؟! ما تحریم‌ها را وضع کردیم و شرایط اعمالش را فراهم کردیم یا شما؟

فتنه‌ی بزرگتری در راه است

این همه گفتیم از نقش اسرائیل و انگلیس و آمریکا، اما یک نکته‌ی مهم را هم خاطر نشان کنم که آقا یکبار فرمودند دشمن برای این کشور برنامه ریزی‌های ده ساله داشتند. ۱۸ تیر سال ۷۸ برنامه‌ی اول بود، دوباره بعد ۱۰ سال زهرش را در فتنه‌ی ۸۸ ریخت، دوباره این که چیزی خودم می‌خواهم اضافه کنم، مطمئن باشید در انتخابات سال ۹۶ یک فتنه بزرگتری داریم. خدمت شما عزیزان می‌خواهم دو نکته عرض کنم. قصدم براین هست که یک دلیل نقلی و دیگر دلیل عقلی ذکر کنم.

دلیل نقلی اینکه آقای آقا تهرانی گفتند بعد از این که فتنه‌ی ۸۸ جمع شدند، خدمت آقا رسیدم و عرض کردیم که الحمدلله این فتنه تمام شد، بعد آقا به ما فرمودند که فتنه‌ی بزرگتری در راه است. یعنی فتنه‌ی ۸۸ که به تعبیر رهبری قرار بود ایران را مانند سوریه کند، تازه فتنه‌ی کوچکتر بوده!

دلیل عقلی، بر فرض که آقا هیچ فرمودند، اگر بخواهیم با دلایل عقلی اثبات کنیم فتنه‌ی بزرگتر را، می‌گوییم که «اگر» در سال ۹۶ فتنه‌ی ای بشود به مراتب بزرگتر از فتنه‌ی سال ۸۸ است، به چند دلیل

یک، در سال ۸۸ اعتراضات معطوف به یک قشر متوسط به بالای شهری آن هم با گرایش‌های خاص سیاسی فرهنگی بود اما در ۹۶ تمام اقشار محروم و به تنگ آمده در کنار مخالفین سیاسی و غیره شورش خواهند کرد. متأسفانه این آقایان واضح تحریم آنقدر خباثت دارند که تقصیر تحریم‌های خود ساخته و غارت‌های بیت المال و فقر مردم را گردن نظام و شخص رهبری بیندازند!

دو، فتنه‌ی سال ۸۸ محدود به تهران بود، اما فتنه ۹۶ در کل کشور خواهد بود.

سه، در فتنه‌ی ۸۸، یک اقلیتی خارج حکومت علیه دولت و نظام فتنه کردند اما اینجا اگر بخواهد فتنه بشود، خود دولت، نقش رهبری اپوزوسیون را بر عهده خواهد داشت. چرا؟ عرض می‌کنم. هیچ می‌دانستید رئیس CIA گفته مطلوب ماست که آقای روحانی و معتدل‌ها رای بیاورند در ۹۶. این ننگ است برای رئیس جمهور ایران که رئیس مخوف ترین سازمان امنیتی جهان از او حمایت کند و ما در انتخابات سال ۹۶ به کوری چشم سازمان جنایت کار CIA، به کسی رای می‌دهیم که آنها نمی‌خواهند. [تشویق حضار]



شما به تحرکات امنیتی یک ساله‌ی منتهی به انتخابات ۹۶ نگاه کنید! اعلام هیلاری کلینتون مبنی بر آموزش ۵۰۰۰ ایرانی برای براندازی، همایش گسترده‌ی منافقین در پاریس با حضور رئیس اسبق اطلاعات عربستان، حمایت کری از روحانی و ابراز نگرانی از عدم پیروزی اش در انتخابات ۹۶، حمایت رئیس CIA از روحانی، ابراز امیدواری رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل از پیروزی روحانی در انتخابات، حمایت رئیس سابق اطلاعات عربستان و نتانیاهو از تداوم برجام و انتصاب کارکنان ارشد و مسئولان اطلاعاتی فرانسه، آلمان و انگلیس به سمت سفیری در تهران که دو تن از دیپلمات‌های انگلیسی و فرانسوی را هم در کردستان در حال تصویر برداری از مراکز نظامی گرفتند! اضافه کنید تجهیز و اعزام تیم‌های تروریستی توسط عربستان به کشور را که چند وقت پیش افرادی را گرفتند که قصد بمب گذاری در ۵۰ نقطه‌ی تهران را داشتند!

اینها تماما نشان از تدارک گسترده برای فتنه‌ای مخوف است که البته همانطور که عرض کردم مانند کوه یخ تنها بخش کوچکی از آن قابل رؤیت بوده که بیان شد.

دوگانه‌ی دوقطبی-فتنه

تا اینجا صحبت‌های بنده در خصوص گذشته، و اما نسبت به احتمال فتنه در ۹۶، بعضی از دوستان می‌گویند دولتی که می‌خواهد انتخابات برگزار کند، چگونه می‌تواند فتنه به پا کند؟

دوستان عزیز! دوقطبی سازی را نمونه اش در انتخابات آمریکا شاهد صحنه بودیم. با وجود علم مردم آمریکا به رأی آوری ترامپ در سیستم الکتروال کالج، و حتی تبریک هیلاری و اوباما، اما مشاهده کردید که در ۴۰ - ۵۰ شهر باز هم تظاهرات شد که بعضا به خشونت کشیده شد.



فکر نکنید اگر مردم بدانند یکی برنده است دیگر کاری به کارش ندارند، این باعث می‌شود که بگوییم حالا دولت روحانی طبیعتاً مجری هست، مجری که نمی‌تواند علیه خودش بگوید؛ نه عزیزان! بنده در اول خدمتتان عرض کردم که این نقطه عطفی که مهندسی پندار را به مهندسی رفتار گره می‌زند، یکی اش انتخابات است. اما همه اش نیست. برای این موضوع شاهد مثال آوردم؛ گفتم ۱۸ تیر سال ۷۸ جرقه اش چه بود؟ بسته شدن روزنامه‌ی سلام. اوکراین دو مرتبه گرفتار آشوب شد. اول در سال ۲۰۰۴ در مورد بحث انتخابات که غربگراها مصادره کردند انتخابات را و بازی باخته را بردند. مرتبه‌ی دوم اما در سال ۲۰۱۴، دو سال پیش بود، و موضوع این بود که آیا با اتحادیه‌ی اروپا موافقت نامه‌ی همکاری اقتصادی سیاسی امضا کنند یا نه؟ آیا رئیس‌جمهور این کار را بکند یا نه؟ ضربه‌ی ای که اوکراین در ۲۰۱۴ خورد، مهیب تر از سال ۲۰۰۴ بود، زیرا در سال ۲۰۰۴ تعدادی کشته شدند و دولت عوض شد، اینجا چندین برابر کشته شدند و کشور شان هم تجزیه شد. شبهه جزیره‌ی کریمه رسماً جدا شد و الان روس‌گرایان شرق، خواهان خودمختاری هستند.

مصداق بعدی هم همین آقای ترامپ، مگر در آمریکا شورش و آشوب نشد در چند شهر؟ مگر در آمریکا در شهر لس آنجلس در کالیفرنیا راهپیمایی عظیمی نشد؟ مگر این همه دعوا نشد؟ مگر مردم نمی‌دانستند ترامپ طبق قانون رای آورده؟ ولی وقتی دوقطبی باشد، یعنی نسبت به موضوعی موافق و مخالف محض درست کردن و صف آرایی کردن مردم نسبت به موضعی، در این صورت زد و خورد حتمی است. خیلی از افراد که در سال ۸۸ معترض بودند، می‌دانستند که تقلب نشده، ولی از شخص احمدی نژاد خوششان نمی‌آمد و زدند و بلوا کردند.

دوقطبی سازی، فتنه ساز است. حال بنا بود این دوقطبی میان موافقان احمدی نژاد و مخالفان او که موافقان روحانی اند ایجاد شود که با تدبیر رهبری نشد. اما آیا دوقطبی سازی خنثی شده کاملاً؟ هرگز. دولت از هر فرصتی استفاده می‌کند تا موافقین و مخالفین ایجاد کند. بر سر چه؟ هرچه! برجام، حجاب، کنسرت و غیره. یعنی حب و بغض شدید و صف بندی ایجاد می‌کنند نسبت به موضوع. مثلاً در مسابقات فوتبال، تیم طرف، چهارتا گل می‌خورد، از شدت خشم و نفرت، دخل تیم و طرفداران و هواداران تیم برنده را می‌آورند. مگر فقط به این هست که فرد بداند یا نداند؟ دانستن و ندانستن یک مبحث است و پذیرفتن و نپذیرفتن بحث دیگری است.

والسلام علیکم و رحمت الله